



ویژگی‌های دوران ظهور در اندیشه شهید بهشتی

شهید سیدمحمد حسینی بهشتی
علیرضا باقری - عضو کارگروه تاریخ

آزاد انسانی دست یابند که مردم صالح وارث زمین خواهند شد: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۴۳)

۱. طلوع سپیده دم، بعد از تاریک‌ترین ساعات شب

«اسلام، آخرین و عالی‌ترین سنت تاریخ را به صورت یک نوید قطعی و اجتناب ناپذیر اعلام می‌کند که اوج تکامل تاریخی و سرانجام نهایی تکاپوی انسان، پیروزی همگانی و سراسری حق و عدالت است. البته پس از پر شدن جهان از ظلم و جور و اوج تضاد و آمادگی کامل انفجار... اسلام، دگرگونی‌های تاریخ را چنین تفسیر می‌کند که در تمام طول تاریخ، بین حق و باطل، درگیری مستمری وجود داشته و این مبارزه

گول‌های وحشت‌زای جهان - با هزار گونه افسونی که در اختیار دارند و با شیوه‌های نویی که در بلعیدن ملت‌ها ابتکار می‌کنند - دست از سر انسان محروم و مظلوم می‌کشند؟! راهی است طولانی که قربانی‌ها و تدبیرها و خیلی چیزهای دیگر می‌خواهد. پیروزی در جبهه دوم را جز در سایه توفیق در جبهه سوم نباید جستجو کرد، تاریخ، تشنه انسان‌های «انسان» است... گذشت و فداکاری، آزادگی روحی، پاکی، در آمدن از خودخواهی‌ها و خودبینی‌های تنگ و بالاخره «انسان» شدن یک ضرورت جهانی است تا این انسان‌های پاک، دستاوردهای مبارزه جبهه اول را نه در خدمت طاغوت و شهوت، بلکه در خدمت انسان قرار دهند و در جبهه دوم به ایجاد محیط‌های آباد و

مقدمه

«تکامل تدریجی انسان در سایه پیروزی در سه جبهه به دست خواهد آمد: الف) در کشف قوانین طبیعت و تسلط و تسخیر قوا و مواهب آن ب) در مبارزه با روابط ظالمانه اجتماعی و به دست آوردن عدالت، آزادی و حقوق انسانی ج) در مبارزه با نفس و سلطه بر خودکامگی‌ها، هوس‌بازی‌ها و فسادهای درونی جهان معاصر، به سرعت در جبهه اول پیروز می‌شود و دستاوردهای فراوان علمی و صنعتی، او را در سلطه بر طبیعت کامیاب کرده است... اما در جبهه دوم،... هنوز در سپیده دم این راه طولانی قرار دارد... مگر

در سطوح و ابعاد گوناگون جامعه ادامه می‌یابد... پیامبری مبعوث می‌شود و دل‌های آماده‌ای را بیدار می‌کند و ایمان گروهی گروندگان راستین بارور می‌شود و همراه او با فساد می‌جنگند و در این راه، زیونی و ناتوانی به خود راه نمی‌دهند و رفته رفته پیش می‌روند (آل عمران/۱۳۶) و در جامعه تحولی اساسی پیدا می‌شود. شرک، خرافه، ظلم و فساد در هم شکسته می‌شود و خداپرستی و حق و عدل پا می‌گیرد. چندی می‌گذرد، مجدداً از درون همان جامعه، خودخواهی، هواپرستی، تمایلات اشرافی‌گری زبانه می‌کشد.» (همان: ۲۴۵)

«از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: وی هنگامی قیام می‌کند که دنیا را هرج و مرج فرا گرفته و کشورها به یکدیگر شبیخون می‌زنند، نه بزرگ به کوچک رحم می‌کند، نه نیرومند بر ناتوان مهر می‌ورزد.^۱ امام باقر (ع) فرمود:

«...قائم (ع) قیام نمی‌کند جز در هنگامی که ترسی شدید مردم را فرا گرفته و بحران‌ها، آشوب‌ها، گرفتاری‌ها و بیماری، آنان را احاطه کرده باشد. کشتار وحشیانه، اختلاف شدید و تفرقه دینی بین مردم افتاده و چندان دچار رنج و افسردگی شده و به جان یکدیگر افتاده باشند که صبح و شام، آرزوی مرگ کنند. آری وی در ناامیدی مطلق مردم، خروج خواهد کرد.»^۲ (همان: ۲۴۹)

«در هر حال این درگیری بی‌امان حادثه می‌آفریند و تاریخ می‌سازد اما آینده نهایی تاریخ، امیدبخش است و سرانجامی درخشان دارد، حق پیروز می‌شود.» (همان: ۲۴۵)

۲. ویژگی‌های دوران ظهور

«با بررسی صدها روایتی که درباره مختصات زمان ظهور آمده است، دورنمای مختصری از جامعه و نظام حاکم آن روز را ترسیم می‌کنیم. فراموش نکنیم که این چنین جامعه و نظامی، همان طرح جامع اسلام در این زمینه است و چیزی جز آن نیست. این

بحث را در چند بخش زیر عنوان می‌کنیم:

۲,۱. رهبر و یارانش

از رسول گرامی اسلام نقل شده است که امام قائم را چنین معرفی فرمود:

وی امامی است پرهیزگار، پاک و پیراسته، شادی آفرین، پسندیده، راهنمای ره یافته که به عدالت حکم می‌کند و بدان فرمان می‌دهد، خدایش را تصدیق می‌کند و خدای او را تصدیق می‌نماید.^۳

و امام صادق (ع) درباره مراتب ایمان و نیروی پایداری یارانش چنین فرمود:

هر یک از یارانش، گویی نیروی چهل مرد دارد، دلش از پاره‌های آهن محکم‌تر است، اگر بر کوه‌های آهن بگذرند آن را می‌شکافند، سلاح خویش را به زمین نمی‌گذارند تا خدای بزرگ را راضی کنند.^۴

...و از امام صادق (ع) نقل شده که درباره پیروان راستینشان چنین می‌فرماید که:

ترس از دلشان ریشه کن شده و در دل دشمنان افتاده است که هر یک از آنان از سرنیزه پیشروتر و از شیر، بی‌باک‌تر است...^۵ (همان: ۲۵۰)

۲,۲. تحمل رنج در راه پیروزی

«مفضل یکی از یاران امام صادق می‌گوید، زمانی در حضور ایشان سخن از قائم (ع) پیش آمد و من گفتم امیدوارم به آسانی کارش پیشرفت کند، امام فرمود:



چنین نخواهد بود و این پیروزی دست نخواهد داد جز در غرقاب خون و عرق بدن^۶

...و نیز یکی از یاران امام باقر گوید:

به آن حضرت گفتم، چنین می‌گویند که وقتی مهدی قیام کند، همه کارها برایش خود به خود رو به راه می‌شود بی آنکه قطره خونی ریخته شود، فرمود ابتدا چنین نیست، به حق آن که جانم در دست اوست اگر بنا بود کارها بدین آسانی پا گیرد، برای پیغمبر اسلام چنین می‌شد، پس چرا در راه مبارزاتش دندانش شکسته شد و صورتش زخم برداشت، نه چنین نیست به خدا، جز این که ما و شما غرق در عرق و خون زخم‌های خود گردیم...^۷

...و نیز از امام صادق، ضمن گفتاری چنین نقل شده است:

...گویی قائم و یارانش را می‌بینم که خطر از هر سو بر سرشان سایه انداخته، توشه‌های آنها تمام شده، جامه‌هایشان فرسوده، گشته، سجده بر پیشانی آنان اثر گذارده، روزها همچون شیر ژیان و شب هنگام، نیاشگر حق، دل‌هایشان چون پاره‌های آهن...^۸ (همان: ۲۵۲)

۲,۳. غلبه‌ای اختیاری و ارادی

«آیا این پیروزی حق بر باطل، به صورت یک جبر تاریخ، در قرآن مطرح شده یا به صورت یک قانون وابسته به انتخاب و اختیار انسان‌ها؟ کدام یک؟ ملاحظه می‌کنید که قرآن می‌گوید خداوند، طبیعت حرکت حق را پیروزگر قرار داده اما اینکه انسان‌ها دست به حرکت حق بزنند یا نزنند اختیاری است. شما در دوره‌هایی از تاریخ که غلبه باطل را می‌بینید و بر سر قدرت بودن باطل را می‌بینید دوره‌ای است که تلاش حقی بوده است و شکست خورده یا دوره‌ای است که بشریت، انتخاب عمومی‌اش راه باطل بوده؟ کدام یک؟» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۳: ۱۱۵)

را به همان ترتیب که نازل شده است یاد می‌دهند...^{۱۴}
امام باقر (ع) ضمن گفتاری درباره آن دوران فرمود:

...علم و حکمت، چندان عمومی می‌شود که زنان نیز بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا حکم می‌کنند...^{۱۵} و دانش در رشته‌های مختلف، گسترده می‌شود، بدان‌گونه که میزان مسائل علمی کشف شده با گذشته قابل مقایسه نیست، به‌طوری که در روایت امام صادق (ع)^{۱۶} مثالی بدین ترتیب آمده است که اگر ظرفیت علمی بشر هفتاد و دو حرف باشد، تا آن روز فقط دو حرفش را شناخته‌اند اما در آن دوران، به‌تدریج همه هفتاد و دو حرف شناخته خواهد شد و در مورد رشد عقلی و اخلاقی مردم، امام باقر (ع) چنین فرمود:

در آن روزگار که قائم ما برخیزد و مردم در سایه حمایت وی قرار گیرند، عقل‌هایشان شکوفا و خصلت‌های انسانی آنان کامل و بارور شود...» (همان: ۲۵۴)

۲,۹. حاکمیت مستضعفین

«در آن دوران، توده محروم مردم، وارث قدرت و ثروت زمین می‌گردند، چنان‌که آیه زیر را روایات متعددی به آن دوران تفسیر کرده‌اند:

ما چنین اراده کرده‌ایم مردمی را که ضعیف نگاه داشته شده‌اند مورد لطف خویش قرار دهیم و آن‌ها را پیشوایان و حکمرانان و وارثان قدرت و ثروت زمین سازیم.» (همان: ۲۵۵)

۲,۱۰. استقرار عدالت

«بدین ترتیب، اقتدار و شوکت ستمگران و سودپرستان در هم فرو می‌ریزد و عدالت در سایه این نظام، همه‌جا گیر می‌شود:

...زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان‌گونه که قبلاً از جور و ستم پر شده بود...^{۱۷}
هنگامی که قائم برخیزد، به عدالت حکم

۲,۶. آخرین خروج علیه امام / دین شناسانی که تحمل احیای دین را ندارند

«چندان این نوآوری قائم عجیب می‌نماید که برای گروهی از کسانی که خود را دین‌شناس و طرفدار دین می‌دانند غیرقابل تحمل می‌شود و علیه آن حضرت، غائله برپا می‌کنند... از حضرت باقر نقل شده:
در جریانی که صاحب امر، برخی احکام الهی را می‌گوید و درباره بعضی سنت‌ها سخن می‌سراید، از درون معابد، خروجی علیه او ترتیب می‌دهند و امام به یارانش فرمان می‌دهد تا آن‌ها را اسیر کنند و سپس از پای درآورند و این آخرین اقدامی است که علیه قائم آل محمد انجام می‌شود.»^{۱۲}
(همان)

۲,۷. مردمان پس از ظهور

«در آن روزگار، مردمی با ایمان، پارسا، مخلص، دین‌باور، پرهیزکار، تسلیم در برابر حق، بردبار، پایدار، متین، بی‌ربغبت به دنیا و مشتاق پروردگار، خواهند بود که خدایشان وارث قدرت و ثروت زمین ساخته و دین و آرمانشان را که برایشان برگزیده بود در زمین مستقر گردانیده. جز خدای را پرستش نمی‌کنند. هر گونه شرکی را ریشه‌کن می‌کنند. نماز را به موقع می‌خوانند و زکات را به‌جای می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند»^{۱۳} (همان: ۲۵۰)

۲,۸. افزایش آگاهی‌های عمومی

«وقتی بینش واقعی اسلام، ترویج شد و حاکمیت طاغوت و گمراهی‌های دین فروشان در هم شکست، محیط برای رشد فکری و عقلی و افزایش آگاهی عمومی، مساعد می‌گردد. از حضرت علی (ع) نقل شده که فرمود:

...گویی می‌بینم که خیمه‌های فراوان، سرپا شده و در زیر آن‌ها به مردم قرآن

«مکرر بنده این مطلب را در بحث‌های مربوط به امام زمان سلام الله علیه عرض کرده‌ام که اگر قرار باشد نتیجه اعتقاد به امام زمان و انتظار فرج او در ما این باشد که دست روی دست بگذاریم تا او بیاید و کارها را درست بکند، این بدترین اثر تخطیری است که یک اعتقاد امیدزا می‌تواند داشته باشد... و هرگز نباید آن وعده پیروزی نهایی، جامعه ما را از تلاش پیگیر در راه پیروزی‌های مرحله‌ای باز بدارد. یعنی کوشش نیز لازم است. برای تحقق پیروزی نهایی در شکل «ملاً الأرض قسطاً و عدلاً» که در همه جا قسط و عدل حاکم باشد، تلاش ما یک متمم می‌خواهد که رهبری الهی است که او برای ما می‌فرستد.» (همان: ۱۱۷)

۲,۴. نقش امداد غیبی

«امام صادق (ع) در توضیح این آیه «خداست آن که پیامبرش را برای هدایت و بسط دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان نپسندند» فرمود: تأویل این آیه جز در زمان قائم نخواهد بود که پس از خروج او دیگر کافر و مشرکی باقی نمی‌ماند...»^۹ (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۵۳)

۲,۵. گویی امام دین جدیدی می‌آورد

«اما تا بدان روز، اسلام را چندان در خرافه‌ها و شبهه‌ها غرق کرده‌اند که گویی دین جدیدی می‌آید.

امام صادق (ع) فرمود:

همین که قائم به پا خیزد، امری جدید می‌آورد همان‌گونه که پیامبر در آغاز ظهور اسلام، امری جدید آورد.^{۱۰}

و نیز امام صادق درباره حضرت مهدی فرمود:

همان می‌کند که رسول خدا کرد. آنچه را که پیش از آن بوده در هم فرو می‌ریزد، همانند پیامبر که نظام جاهلی را در هم ریخت و اسلام را از نو آورد.»^{۱۱} (همان)



می‌کند و در روزگارش، ستم از بین می‌رود، راه‌ها امن می‌گردد و حق به اهلیش می‌رسد...^{۱۸}

در آن زمان، مساوات به صورت کامل اجرا می‌شود. امام باقر(ع) فرمود:

...همین که قائم قیام کند، ثروت را مساوی تقسیم می‌کند و عدالت را در بین توده مردم اجرا می‌کند...^{۱۹} (همان)

۲،۱۱. فراوان شدن نعمات

«وقتی بنا شد کارها به اهلیش سپرده شود و محیط، محیط عدالت باشد، روشن است که زمین از هر جهت آباد می‌شود:

...برکات از آسمان بر زمین فرو می‌ریزد، زمین، بهترین حاصل خود را برون می‌دهد، درختان تمام میوه خود را می‌آورند، محیط زمین سرسبز و خرم و عطر آگین می‌شود...^{۲۰}

و به همین ترتیب در چنین محیطی از معادن و منابع طبیعی، حداکثر بهره‌برداری می‌شود.

...و خدا برایش گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌کند...^{۲۱} (همان: ۲۵۶)

۲،۱۲. رام شدن طبیعت و ازدیاد ثروت

«سرانجام، همه قوای طبیعی، رام آنان می‌شود و به همه تجهیزات و وسایل دست می‌یابند^{۲۲} و رفته رفته چندان ثروت زیاد می‌شود که هیچکس نیازمند و بیچاره نمی‌ماند.

حقوق سالانه و ماهانه مردم دو چندان به آنان پرداخت می‌شود و بین همه مردم، مساوات برقرار می‌گردد، تا آنجا که دیگر کسی محتاج زکات نیست. به افراد پول می‌دهند و آنان بر می‌گردانند و می‌گویند بدین پول‌ها نیازی نداریم... همه منابع مالی سطح زمین و زیرزمین در اختیار امام قرار می‌گیرد و خطاب به مردم می‌گوید، اینها همه ثروت‌هایی است که به خاطر به چنگ آوردن آن از

«بدین ترتیب محبت عمومی، مهربانی، حق پرستی، برادری و برابری، مستقر می‌شود و تبعیض و زور از بین می‌رود و چندان یکرنگی و صمیمیت به وجود می‌آید که گویی میان آن‌ها، من و تویی وجود ندارد.

«وقتی قائم برخاست، صداقت و صفا به وجود می‌آید، بدان حد که شخص، نیاز خود را از جیب دیگری بر می‌دارد و او هم جلوگیری نمی‌کند...»^{۲۴} (همان)

۲،۱۵. رفع غم و درد

«...کسانی که روزگار قائم را درک کنند، بیمارشان بهبودی می‌یابد و ناتوانشان نیرومند می‌شود...»^{۲۷} در آن روزگار، کور، زمین‌گیر و دردمندی نمی‌ماند، جز این که گرفتاری و بلا از او دور می‌شود...»^{۲۸} (همان: ۲۵۸)

۲،۱۶. جهانی شدن

«این حکومت حق و عدل، جهانی می‌شود و شرق و غرب را فرا می‌گیرد و بشر، یکپارچه در چنین روزگار امن و عدالت و رفاهی، نشو و نما می‌کند^{۲۹} و روابط صمیمانه انسانی بین هم ایمانان سراسر جهان برقرار می‌شود چنان که گویی از این طرف و آن طرف جهان با

بستگان خویش می‌گسستید و خونریزی می‌کردید و به حرام، آلوده می‌شدند. آن‌گاه از این ثروت‌ها چندان در اختیار مردم می‌گذارد که هیچ‌گاه، نظیر نداشته است...»^{۲۳} (همان)

۲،۱۳. ایجاد امنیت

«در چنین شرایطی محیط امن و آرامش به وجود می‌آید:

...در آن زمان چندان امنیت بر سراسر زمین گسترده می‌شود که از هیچ چیز به دیگران زیان نمی‌رسد و ترس و وحشتی وجود ندارد، حتی جنبنندگان و حیوانات در بین مردم، رفت و آمد می‌کنند و به یکدیگر آزاری ندارند...»^{۲۴} بین مردم محبت و دوستی برقرار می‌شود. باهم مواسات می‌کنند. بین خود ثروت را با مساوات تقسیم می‌نمایند. نیازمند، بی‌نیاز می‌شود و گروهی بر گروه دیگر، برتری جویی ندارند؛ بزرگ به کوچک مهربان است و کوچک بزرگ را احترام می‌گذارد و مردم در برابر حق، تسلیم هستند و بدان باز می‌گردند و براساس آن داوری می‌کنند...»^{۲۵} (همان: ۲۵۷)

۲،۱۴. نوع دوستی و گسترش محبت و صمیمیت

معمولا از آن اجتناب می‌کنم. جالب این است که در تطور طبیعی، معمولا این گونه است؛ یعنی در تطور طبیعی یک موجود در مسیر تکامل، آخرین مراحل دوره قبلی، به نخستین مراحل دوره بعد شبیه است. بنابراین وقتی از این دوره که دوره نظام طبیعت است می‌خواهیم به دوره دیگر که دور نظام الهی است وارد شویم، روز «مالک یوم الدین»؛ «مالک روز جزاء» است و روز «لمن الملك اليوم إله الواحد القهار»؛ «امروز فرمانروایی از آن کیست؟ از آن خداوند یکتای قهار» برزخی به‌عنوان «عصر امام زمان (ع)» که خیلی هم کوتاه است... ما از یک طرف می‌دانیم که جامعه بشری به سمت حداکثر فساد جلو خواهد رفت. آیا این جلو رفتن در خط مستقیم است یا زیگزاگ و به راست و چپ است یا به جلو و عقب؟ اینها روشن نیست و در احادیث وجود ندارد. اجمالا می‌دانیم جامعه بشری عملا به سمت حداکثر فساد خواهد رفت. در چه مدت زمانی؟ این هم برای ما روشن نیست. لذا در روایات ما آمده است که «وقائون» دروغگو هستند که وقت معین می‌کنند که چه موقع امام زمان (ع) ظهور خواهد فرمود. بنابراین آنچه هست یک مطلب مجمل است که جامعه بشری، روزی غرق

هستند، غافل از اینکه تحقق آن جامعه، در ظرف زمانی همان وقت ممکن است. البته نباید از کوشش باز بمانیم، اما باید بدانیم اگرچه کوشش‌های ما جامعه‌ای بهتر از جامعه فعلی خواهد ساخت، اما آن جامعه صددرصد ایده‌آل را هرگز نخواهد ساخت. پس باید به همین دلیل، در نتیجه‌گیری از کوشش‌ها واقع‌بین باشیم نه خیال‌پرداز... جامعه امام زمانی (ع)... چه زمانی به وجود خواهد آمد؟ در آن ساعاتی از زندگی دنیا که قرار است این دوره به سر رسد و دوران جهان دیگر فرا رسد. این، آن چیزی است که از آنچه درباره جامعه ساخته شده به دست رهبر موعود در روایات اسلامی ما وارد شده، فهمیده می‌شود. [جامعه زمان امام زمان، جامعه‌ای پاک است] اما آن جامعه پاک با آن شرایط، به وجود آمدنش، نظامش، اداره‌اش و همه چیزش غیرمتعارف و فوق‌العاده است. اصولا ظهور حضرت، پیروزی و جامعه‌سازی‌اش، همه غیرمتعارف است. تو گویی قیامت صغری است؛ توگویی نمونه‌ای از دنیای دیگر است که بی‌حقه و بی‌کلک است و همه این‌ها در پایان این دوره به وجود می‌آید. اگر بخواهیم بیش از این بگوییم، کم کم به سراغ ذوقیات طبیعی می‌رویم که من

یکدیگر سخن می‌گویند و یکدیگر را می‌بینند و با هم همدردی و همکاری دارند...»^{۳۰} (همان)

۲،۱۷. پایان کار تاریخ؛ دورانی محدود و نزدیک قیامت؛ تو گویی قیامت صغری است

«این حکومت نهایی حق و استقرار کامل عدالت و رشد همه جانبه انسان‌ها، آخرین حلقه تاریخ بشر است، پس از آنکه همه نظام‌ها و مکتب‌ها تجربه شده و توفیق همه جانبه جهانی به دست نیآورده‌اند. آری، این قیامت نهایی الهی، دورانی هر چند محدود، غرق در حق و عدالت است و پایان کار تاریخ.»^{۳۱} (همان)

«آیا وقتی پیغمبران آمدند و امت وسطی را به وجود آوردند مسأله تمام می‌شود؟ نه، تاریخ نشان می‌دهد که این کجروی تا روز قیامت یا زمان کوتاهی قبل از قیامت، زمان مهدی موعود، دست از گریبان بشر بر نمی‌دارد... در آن پایان عمر بشریت، آن جامعه‌ای که رسوبات طاغوت هم در آن از بین رفته باشد، به وجود می‌آید ولی تا آن زمان گرفتار درگیری با طاغوت هستیم.» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۳۸)

«ما از روایات اسلامی، این‌طور به دست می‌آوریم که ظهور امام به قیامت نزدیک است. از مجموع روایات اسلامی این‌طور به دست می‌آید که بشر تمام تجارب و کوشش‌هایش را در ساختن جامعه‌ای پاک از آلودگی‌ها انجام داد که ممکن است هر کدام از این تلاش‌ها، تنها با درصدی پایین به ثمر برسند... آن وقت به صورتی غیرعادی، فوق‌العاده، خارج از سنت‌های موجود و با رهبری رهبر الهی موعود، جامعه‌ای ایده‌آل ساخته خواهد شد... غالب دوستانی که در چارچوب اسلام، کوشش می‌کنند، در پی آن جامعه ساخته و پرداخته امام زمان (عج)



در فساد خواهد شد. اما با چه سیری؟ با چه اسلوبی؟ در چه زمانی؟ هیچ‌کدام از این‌ها روشن نیست. از طرف دیگر، ما خودمان خواستار تحقق بخشیدن به جامعه بهتر هستیم، آیا این‌ها با هم تضاد دارد؟... مگر خود جامعه پیغمبر اسلام (ص) یکی از این منزه‌های میانی نبود؟ ما آن جامعه نهایی ایده آل را پایان خط نمی‌دانیم که آغازش اسلام باشد، بلکه آن را پایان خطی می‌دانیم که آغازش آفرینش انسان است.» (حسینی بهشتی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۹۶)

جمع بندی

تصور عامیانه از دوران ظهور که فراگیر نیز هست، واقع‌بینانه و مبتنی بر روایات نیست. در این بیانات، شهید بر مولفه‌هایی تاکید کردند که تصویری واقعی‌تر از آنچه پیش روی ماست نمایان می‌سازد.

پی‌نوشت

- ۱- بحارالانوار، ج ۵۲، بابُ حَصَائِصِ زَمَانِه، روایت ۱۸۹
- ۲- بحارالانوار، ج ۵۲، بابُ حَصَائِصِ زَمَانِه، روایت ۹۹
- ۳- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۴
- ۴- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۴۴
- ۵- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۷۰
- ۶- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۱۲۴
- ۷- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۱۲۳
- ۸- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۲۰۲
- ۹- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۳۶ و ۸۳ که به تفسیر آیه ۳۳

- ۲۳- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۲۱۲
- ۲۴- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، قسمتی از روایت ۱۹۴
- ۲۵- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، قسمتی دیگر از روایت ۱۹۴
- ۲۶- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۱۶۴
- ۲۷- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۶۸
- ۲۸- بحارالانوار، ج ۵۳، روایت ۵۲
- ۲۹- بحارالانوار، ج ۵۳، روایت ۹۹ و ۳۱
- ۳۰- بحارالانوار، ج ۵۳، استفاده از روایت ۲۱۳ و بعضی روایات دیگر
- ۳۱- بحارالانوار، ج ۵۳، روایت ۵۸ و دیگر روایات
- سوره توبه می‌پردازد
- ۱۰- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۸۲
- ۱۱- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۱۰۸
- ۱۲- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۹۱
- ۱۳- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۱۹۴
- ۱۴- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۱۳۹
- ۱۵- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۱۰۶
- ۱۶- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۷۳
- ۱۷- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، ذیل روایت ۳۱
- ۱۸- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۸۳
- ۱۹- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۲۰۳

کتاب‌نامه

حسینی بهشتی، سیدمحمد، (۱۴۰۰)، در مکتب قرآن، تهران: روزنه
 حسینی بهشتی، سید محمد، (۱۳۹۴)، شناخت اسلام، چاپ دوم، تهران: روزنه



- ۲۰- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، روایت ۱۹۴
- ۲۱- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، قسمتی از روایت ۳۱
- ۲۲- بحارالانوار، ج ۵۲، باب سیره و اخلاقه، قسمتی از روایت ۶
- حسینی بهشتی، سید محمد، (۱۳۹۳)، حق و باطل از دیدگاه قرآن به انضمام تسلیم حق بودن، چاپ دوم، تهران: انتشارات روزنه
- حسینی بهشتی، سید محمد، (۱۳۸۸)، حزب جمهوری اسلامی مواضع تفصیلی، چاپ اول، تهران: نشر بقعه